

درمؤک نارون

سید بنی

www.ketab.ir

سرشناسه	: بداعی، سعید، ۱۳۱۸ -
عنوان و پدیدآورنده	: در سوک نارون / [نویسنده] سعید بداعی.
مشخصات نشر	: تهران: روزنه، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۴۹۶ ص: مصور، عکس، نمونه.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۶-۳۳۲-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	: قیفا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: ابهر
ردیف‌های کتک‌ه	: ۱۳۸۹ پ۷/پ۷۲-DSR۲
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۳۴
شماره کتابخانه ملی	: ۲۱۹۸۲۵۱



در سوک نارون سعید بداعی

طرح جلد: سیاوش میرزایی

خوشنویسی روی جلد: حسین افشاری

بازبینی و نمونه‌خوانی: لعبت بداعی

حروف‌چینی: حمیده اکبر

صفحه‌آرایی: الهام یلمی

چاپ اول ناشر: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: شادرنگ

آدرس: خیابان توحید، ابتدای خیابان پرچم، پلاک ۲، طبقه ۴، انتشارات روزنه

☎ تلفن: ۶۶۵۶۷۹۲۵ - ۵۰۳ - ۶۶۴۲ ☎ نمابر: ۶۶۵۶۷۹۲۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۳۶-۳۳۲-۲ ISBN: 978-964-334-332-3

تمام حقوق برای مؤلف محفوظ است

سوگ نارون

چو جام لاله پر از آتش است پیرهنم زمانه نقش شقایق کشیده بر کفتم
نمی‌شود سخن از داغ عاشقانه تمام زبان قصه‌ی این سرزمین لاله منم
سزای قامت من نیست رنگ جامه‌ی بید به هر طرف نکند میل شاخ و برگ تنم
نهاد تازه چه می‌داند از گذشته‌ی باغ بخوان ز دفتر گیتی حماسه‌ای که منم
خسب شکسته‌ی این دشت هم بود گل ناز مده فریب به روی ز عطر یاسمنم
مگو که این همه فریاد چیست در غم عشق صدای ناله‌ای از روزگار کوهکنم
رسیده گرچه به هفتاد عمر خسته‌ی من هنوز مرثیه خوان درخت نارونم
از آن تیر که بدان قامت کبود زدند چو سوکنامه سیاه است بادی وطنم
چه سال‌هاست که شرمندهم ز خدمت دوست ملول و خسته گرفتار حال خویشتم
به هر بهانه که شد شعر واژه‌های خیال هوای کوچه و بازار بود در سخنم
کتاب خاطره دارم ازین نشیب و فراز بود به هر قدمش پاره‌هایی از بدنم
به برگ گل بنویسم اگر هزار غزل به یک وزیدن بادی بَرند از چمنم

فهرست

۱۱	سخن نخستین
۲۵	بخش نخست: آنچه شنیده‌ایم و خوانده‌ایم....
۲۷	گذشته چراغ راه آینده
۳۱	گردش سنگ آسیاب با خون مردم ایران زمین
۳۲	ایل افشار و سرزمین خمسه
۴۷	سایه‌ی شرم‌آگین هوس‌ها در گذرگاه تاریخ
۵۱	بهتر زیستن برخی‌ها نیاز به مرگ دیگران دارد
۶۰	شخصیت حاجی‌محمدخان ابهری برای امیرافشار نگرانی بزرگی بوده است
	نجات ایران، در مشاجره‌ی رضاشاه و سیدضیاءالدین طباطبائی در پشتیبانی رضاشاه از
۷۳	امیرافشار فراموش می‌شود
۹۳	آب‌های زلال با کینه‌توزی‌ها تیره و تار می‌شود
	اختلاف سلیقه‌ی جهان‌شاه‌خان افشار و حاجی‌محمدخان ابهری به نهضت جنگل کشیده
۹۹	می‌شود

- اشک‌هایی که در جدایی قسمتی از قفقاز از خاک ایران از چشم مردم ریخت ۱۱۷
- سرلشکر خدایارخان با پوتین‌های سیاه در کناره‌های سبز ابهررود ۱۱۹
- بخش دوم: آنچه دیده‌ایم و خوانده‌ایم... ۱۲۹
- دلگیرترین صدای پای اسب‌های بیگانگان ۱۳۱
- اندوهگین‌ترین پاییز ۱۳۷
- روز ۲۱ آذرماه ۱۳۳۵: پس از فراموش‌نشدنی‌ترین روزهای مردم ایران ۱۵۰
- پیشامدها وسیله‌ی آزمایش مردم‌اند ۱۶۵
- ماه‌ها پای برهنه در گل‌آهک نهادند تا کبود آب نداشته باشند ۱۸۳
- ناامیدی از زیان‌بارترین بدبینی‌هاست ۲۰۶
- باغبان پیری که سرو آزادی را سرافرازی جاودانه بخشید ۲۰۹
- چماق را به دست کسی می‌دهند که با اندیشه هیچ آشنایی نداشته باشد ۲۱۶
- انجام کارهای بزرگ از مردان بزرگ شایسته است ۲۲۳
- آخرین شکست پل چند دهانه‌ی ابهررود ۲۲۶
- گره‌خوردگی سرنوشت مردم سرزمین ما با شاخه‌های تاک ۲۳۶
- دلی نماند که اندوهگین نباشد ۲۴۹
- آغاز ترک یار و دیار ۲۵۹
- اندوه غروب روز عاشورا در شیراز ۲۷۱
- دل به بی‌قراری‌های جوانی سپردن ۲۸۹
- خبری که هرگز انتظار شنیدنش را نداشتم ۳۰۶

- ۳۱۱ سلسله جبال البرز و زیبایی‌های همیشگی آن
- ۳۳۱ یکی از آرزوهای بزرگ مردم ابهر برآورده می‌شود
- ۳۳۸ روزی که غروبش با شام غریبان تفاوت چندانی نداشت
- ۳۴۵ برآورده شدن آرزویی دیگر از مردم ابهر
- ۳۵۷ سرافرازی مردم ابهر در یک آزمایش طبیعی
- ۳۶۳ آشنایی با صدای دلنشین قلم استاد کیخسرو خروش
- ۳۷۷ صدای انقلابی مردم در فضای ابهر هم می‌پیچد
- ۳۸۹ نزدیکی به گرفتاران در لحظات گرفتاری چه لذتی دارد
- ۳۹۷ آندوه ناگهانی دیگر در کناره‌های سیدرود
- ۴۰۵ یک سربلندی فرهنگی که آوازه‌ی ابهر را طنین‌اندارد کرد
- ۴۲۹ عجیب روزگاری است! هم قصر سلطان را ویران کرده و هم خاتقاه درویش را!!
- ۴۴۳ یک غروب بسیار دل‌انگیز
- ۴۶۶ ابهر، شهر خانه‌های سفید
- ۴۷۸ زبان ناله
- ۴۸۱ عکس‌های بخش پایانی کتاب
- ۴۹۳ فهرست منابع